

بخشی از بیانیه رفاه عالم انسانی

این بیانیه به درخواست بیت العدل اعظم در سال ۱۹۹۵ تهیه شده است و در پرتو تعالیم بهائی به مفهوم رفاه جهانی می‌پردازد. در این قسمت، بخش‌هایی از این متن را که در ارتباط با اصل عدالت هستند آورده شده است.

رفاه عالم انسانی

ترجمه‌ای از بیانیه دفتر اطلاعات عمومی جامعه جهانی بهائی

عدالت تنها نیرویی است که می‌تواند آگاهی نوخیز از وحدت نوع بشر را به اراده‌ای جمعی تبدیل کند که به وسیله آن بتوان ساختارهای لازم برای حیات جامعه جهانی را با اطمینان بنیان نهاد. در عصری که شاهد دستیابی فزاینده مردم جهان به همه نوع اطلاعات و نظرهای گوناگون است، عدالت به عنوان اصل حاکم بر موقیّت در سازمان‌دهی اجتماعی شناخته خواهد شد. طرح‌هایی که به منظور توسعه در جهان ارائه می‌شود باید به نحوی روزافزون تابع موازین منصفانه‌ای قرار گیرد که لازمه عدالت است.

در سطح فردی، عدالت آن قوه روح انسانی است که هر فرد را به تمیز دادن درست از نادرست قادر می‌سازد. حضرت بهاءالله عدل و انصاف را محبوب‌ترین صفات نامیده‌اند چه که به انسان اجازه می‌دهد تا با چشم خود ببیند نه با چشم دیگران و با دانش خود بداند نه با دانش همسایه یا اطرافیان. عدالت خواهان بی‌طرفی در داوری و انصاف در رفتار با دیگران است و به این ترتیب امری است که هرچند هم مشکل باشد باید در جمیع احیان در امور روزمره زندگی مراعات شود.

در سطح گروهی، پایبندی به عدالت به منزله یک جهت‌یاب است که وجودش در تصمیم‌گیری‌های جمعی ضروری است چه که تنها وسیله‌ای است که به یاری آن می‌توان به وحدت فکر و عمل راه یافت. بر خلاف حمایت از روحیه مجازات‌محوری که در گذشته غالباً در پشت نقابی به نام عدالت پنهان می‌شد، عدالت جلوه عملی آگاهی بر این واقعیت است که برای دستیابی به پیشرفت بشری، منافع فردی و منافع اجتماعی به نحوی ناگسستنی با هم مرتبط‌اند. هر چه نقش عدالت در هدایت روابط بشری بیشتر باشد به همان اندازه توجه بیشتری به امر مشورت می‌شود و در نتیجه جوی به وجود می‌آید که می‌توان گزینه‌ها را بی‌غرضانه بررسی نمود و راه‌های اجرایی مناسبی انتخاب کرد. در چنین جوی گرایش‌های متداول فریبکاری و سوء استفاده از دیگران، تفرقه‌جویی و دسته‌بندی به مراتب کمتر مجال می‌یابند تا فرایند تصمیم‌گیری را از مسیر خود منحرف سازند.

مقتضیات عدالت برای توسعه اجتماعی و اقتصادی عمیق و وسیع است. توجه به عدالت، کار توصیف توسعه و پیشرفت را از وسوسه فدا کردن مصالح جمعی بشر و حتی مصالح کره زمین به خاطر مزایایی که پیشرفت‌های تکنولوژیکی ممکن است نصیب اقلیتی مرفه از جامعه بنماید محفوظ نگه می‌دارد. رعایت عدالت در ایجاد طرح و برنامه‌ریزی باعث می‌شود که منابع محدود در جهت اجرای پروژه‌هایی که خارج از اولویّت‌های اصلی اجتماعی و

اقتصادی یک جامعه است مصرف نگردد. مهمتر از همه می‌توان انتظار داشت که تنها آن دسته از برنامه‌های توسعه که عادلانه و منصفانه به نظر می‌رسند و نیازهای مردم را برآورده می‌سازند، می‌توانند تعهد توده‌های بشری را که اجرای هر طرحی وابسته به آنان است به خود جلب نمایند. صفات انسانی لازم مانند صداقت، علاقه‌مندی به کار و روح همکاری هنگامی با موفقیت در خدمت نیل به اهداف مشترک بسیار پیچیده به کار برده می‌شود که هر یک از اعضای جامعه — در حقیقت هر گروه متشکله در درون جامعه — اعتماد داشته باشد که آن اهداف در پناه ضوابط یکسان حفاظت می‌شود و مطمئن باشد که همگان از منافع مساوی برخوردارند.

بنا بر این مسئله حقوق بشر در کنه بحث و گفتگو در باره استراتژی توسعه اجتماعی و اقتصادی قرار دارد. شکل دادن به این راهکار مستلزم آنست که ترویج حقوق بشر از بند دوگانگی‌های کاذب که مدت‌هاست آن را به اسارت درآورده آزاد شود. تأکید بر اینکه هر انسانی باید از آزادی اندیشه و عملی که لازمه رشد فردی اوست برخوردار باشد سرسپردگی به مسلک فردگرایی را توجیه نمی‌کند، مسلکی که بسیاری از جنبه‌های زندگی معاصر را عمیقاً به فساد کشیده است. به همین ترتیب تأکید بر تضمین رفاه کلّ اجتماع، نیازی به خدایگون ساختن دولت به عنوان منبع مسلم تأمین رفاه بشریت ندارد. کاملاً برعکس: تاریخ قرن حاضر به وضوح نشان می‌دهد که این‌چنین ایدئولوژی‌ها، و کلیه برنامه‌های حزبی که از آن نشئت می‌گیرد، خود دشمن اصلی منافع بوده‌اند که ادعای حمایت آن را داشته‌اند. تنها در یک چارچوب مشورتی مبتنی بر آگاهی از وحدت ارگانیک نوع انسان، تمام جوانب رعایت حقوق بشر می‌تواند با مشروعیت و خلاقیت جلوهرگر شود.

امروز، وظیفه ایجاد این چارچوب و آزاد کردن ترویج حقوق بشر از یوغ کسانی که از آن بهره‌کشی می‌کنند بر عهده سازمان‌های بین‌المللی است که خود زاییده فجایع دو جنگ ویرانگر جهانی و تجربه سقوط عالمگیر اقتصادی بوده‌اند. نکته مهم این است که اصطلاح "حقوق بشر" فقط از زمان اعلام منشور سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ و تصویب اعلامیه حقوق بشر سه سال بعد از آن، کاربرد عام یافته است. در این اسناد تاریخ‌ساز، احترام به عدالت اجتماعی، رسماً به عنوان یکی از لوازم استقرار صلح جهانی شناخته شده است. این واقعیت که اعلامیه حقوق بشر به اتفاق آرا به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید، از همان آغاز، حاکمیت و اعتباری به آن بخشید که در سال‌های بعد همواره بر استحکام آن افزوده شده است.

آنچه با حسن آگاهی که وجه تمایز طبیعت انسان است نزدیکترین ارتباط را دارد، جستجوی خود شخص برای کشف حقیقت می‌باشد. آزادی تحقیق و تفحص در هدف از هستی و همچنین آزادی برای پرورش استعدادهای مودوعه در طبیعت انسانی که این تفحص را ممکن می‌سازد، نیازمند حفظ و حراست است. انسان‌ها باید در دانستن آزاد باشند. با اینکه این گونه آزادی‌ها غالباً مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد و با اینکه اجتماع کنونی چنین سوء استفاده‌ای را شدیداً دامن می‌زند به هیچ وجه از اهمیت میل غریزی انسان به دانستن کاسته نمی‌شود.

همین غریزه تمیزدهنده ضمیر آگاه انسان است که الزام اخلاقی نسبت به رعایت بسیاری از حقوق مندرج در اعلامیه حقوق بشر و میثاق‌های وابسته به آن را فراهم می‌سازد. آموزش و پرورش همگانی، آزادی نقل و انتقال، دسترسی به اطلاعات و امکان مشارکت در حیات سیاسی، همگی جنبه‌هایی از عملیات این غریزه‌اند که نیاز به تضمین صریح

جامعه بین‌المللی دارند. همین استدلال در مورد آزادی اندیشه و باور، شامل آزادی مذهبی، همراه با حق داشتن نظر و ابراز آن به نحوی شایسته نیز صادق است.

از آنجا که نوع بشر هیئتی واحد و تقسیم‌ناپذیر است هر یک از اعضای نوع انسان به منزله امانتی در تکفل کل پا به عرصه هستی می‌گذارد. این تکفل مبنای اخلاقی بسیاری از سایر حقوق را — در وهله اول حقوق اقتصادی و اجتماعی که ارگان‌های سازمان ملل در تعریف آن می‌کوشند — تشکیل می‌دهد. امنیت خانه و خانواده، تملک املاک، و حق برخورداری از حریم خصوصی، همه از متضمنات این تکفل است. تعهدهای جامعه در قبال فرد از جمله شامل تأمین شغل، بهداشت جسمانی و روانی، امنیت اجتماعی، دست‌مزد عادلانه، استراحت و تفریح، و بسیاری دیگر از انتظارات معقول و موجه هر یک از اعضای اجتماع است.

اصل تکفل جمعی همچنین این حق را برای هر فرد ایجاد می‌کند که انتظار داشته باشد که آن دسته از شرایط فرهنگی که در ساختن هویت او نقشی اساسی دارد از حمایت قوانین ملی و بین‌المللی برخوردار باشد. عیناً همانند نقشی که خزانه ژن (gene pool) در زندگی بیولوژیکی نوع بشر و محیط زیست او بازی می‌کند، غنای عظیم تنوع فرهنگی حاصله در طی هزاران سال نیز نقشی حیاتی در توسعه اجتماعی و اقتصادی نژاد بشری که طلوع دوران بلوغ جمعی خود را مشاهده می‌کند ایفا می‌نماید. این ذخایر فرهنگی نمایان‌گر میراثی است که باید به آن فرصت داده شود تا در یک تمدن جهانی به ثمر برسد. از یک طرف باید از خفقان نموده‌های فرهنگی در زیر فشار مادی‌گرایی حاکم بر عصر حاضر جلوگیری شود و از طرف دیگر فرهنگ‌ها باید بتوانند در بافت و روال دائم‌التغییر تمدن، فارغ از سوء استفاده به منظور دسته‌بندی سیاسی، با یکدیگر به تعامل و تبادل پردازند.

حضرت بهاء‌الله می‌فرماید: «سراج عباد داد است او را به بادهای مخالف ظلم و اعتساف خاموش ننمایید و مقصود از آن ظهور اتحاد است بین عباد. در این کلمه علیاً بحر حکمت الهی مواج دفاتر عالم تفسیر آن را کفایت ننماید.»